

تولد و خاندان

آیت‌الله یوسف صائعی در آبان سال ۱۳۱۶ شمسی برابر با شعبان المعظم ۱۲۵۶ قمری در روستای نیک‌آباد (شهر نیک‌آباد فعلی) از توابع جرقویه، واقع در ۶۰ کیلومتری جنوب شرقی اصفهان در خانواده‌ی روحانی و دبلیسته به‌اهلیت به دنیا آمد.

پدر

پدرش جحت‌الاسلام آقا شیخ محمد علی صائعی، روحانی وارسته و سادزبست و خدمتگزار مردم بود. آیت‌الله صائعی در ترسیم فعالیت‌های پدرش می‌گفت: «… پدرم در روستای ینگ‌آباد پنجاه سال، کار آخوندی کرد. در خانه‌ای کوچک که محل مراجعه طبقات مختلف مردم بود، در کمال سادگی و زهد با آن مردم زندگی نمود. برنامه‌های کاری‌اش وعظ و ارشاد، رفع مشکلات و گرفتاری‌های مراجعین بود. در راه کُناشوروی و داشتن چند دام با قناعت زندگی‌اش را داره می‌کرد. کارهای شخصی‌اش را خودش انجام می‌داد و از کسی توقع نداشت که کاری برای او انجام دهد. خیلی متواضع و خون گرم بود. به نیازمندان و یتیمان آبدی و محل عنایت داشت و در نیمه‌های شب زمستانی نان و مایحتاج اولیه آنان را خودش به خانه‌هایشان می‌برد. کم‌کدخای محل و روستا بود و هم امام جماعت آن، هم مسئله‌گوی خوبی بود و هم مسئله و احکام دان قوی و مسلط، هم روضه می‌خواند و هم قرآن درس می‌داد. اختلافات محلی و خانوادگی بین افراد را با میانجیگری و با سرعت حل و فصل می‌کرد. قباله،قیاله، مصالحه نامه‌ها، اسناد معاملات، آب و اسلاک و عقد نامه‌های ازدواج را می‌نوشت و با مهر و امضای خود تأیید و تصدیق می‌نمود که مورد قبول و اعتماد مراجع دولت و غیر آن نیز بود. پدرم علاقه شدیدی به اهل‌بیت داشت و ارادت ویژه‌ای را به حضرت سید الشهداء ابراز می‌نمود».(۱)

همچنین آیت‌الله صائعی مرحوم والدش را معلّم و مربی اوّل خود می‌دانست و در مورد روش‌های تربیتی او چنین می‌گفت: «… مرحوم والد‌م در زندگی خود به نکاتی عنایت داشت که معمولاً مردم آن روز و آن زمان، حتی در شهرها هم کمتر عنایت داشتند… با این که در روستا زندگی می‌کرد، اما یک نحوه روشن فکری خاص خودش را داشت… وقتی مادرمان از دنیا رفت، مرحوم والدمان تمام تلاش را می‌کرد که خلاء عاطفه مادری برای ما جبران شود و همین رفتارهای پدرمان سبب گردید که من هیچ کمبودی در خود احساس نکنم. همه آنها را مرحوم والدمان جبران کرده بود. نکات اجتماعی زیادی به ما می‌گفت که هر کدام از آنها درس‌های بزرگی برای من در زندگی شد.»

جدّ پدری

جدّ ایشان آیت‌الله حاج ملا یوسف هم از علمای پرہیزگار و وارسته زمان خود بودند. حاج ملا یوسف در فلسفه از شاگردان جهانگیرخان و در فقه از شاگردان آیت‌الله العظمی میرزا حبیب‌الله رشتی بود. آن بزرگوار به میرزای شیرازی بزرگ – رهبر نهضت تنباکو – دلبستگی فراوان داشت و از مروّجاش بود. ملا یوسف، فردی متعبد، منطوق و از روحیهای بلند و منّشی آزاد برخوردار بود. با خواین جعفر و کارهای نادرست آنان مخالفت می‌کرد و با زورگویان و فُلدران هم سپر ناسازگاری داشت و گاه در مقابل‌شان ایستادی، مبارزه و مقاومت می‌نمود. او یادگارهای او در منطقه جرقویه، آب انبار و مسجد صعلی است که شهر نیک آباد واقع است. این مسجد از آغاز تا به حال مورد عنایت و رفت و آمد مردم این منطقه بوده و در این سال‌های اخیر نیز با همت آیت‌الله حاج شیخ حسن صائعی (دامت برکاته) مورد مرمت و بازسازی اساسی قرار گرفته است.

مادر

مادر آیت‌الله صائعی نیز شهربان نام داشت که خود، زنی پاکدامن و متدین بود و در حفظ حجاب، اهتمام ویژه‌ای داشت. شهربانو از زنان نیکوکار و شایسته بود که آقا شیخ محمد علی را در کمک رسانی و یاری مستمندان همراهی می‌کرد.

همسر

آیت‌الله صائعی در نیمه دوم همراه سال ۱۳۴۳ و در ۲۷ سالگی با نوه دختری عمه خود ازدواج کرد. حاصل این ازدواج دو پسر و یک دختر بوده است.

آیت‌الله صائعی در بخشی از خاطرات خود از همکاری و فداکاری‌های همسرش در سال‌های آغازین زندگی

«امام خمینی: من آقای صائعی را مثل یک فرزند بزرگ کرده‌ام. این آقای صائعی، وقتی که سال‌های طولانی در مباحثاتی که ما داشتیم تشریف می‌آوردند، ایشان بالخصوص بی‌آمدند با من بحث می‌کردند و من حظ می‌بردم از معلومات ایشان

مشرّ کُشان می‌گوید: «… پس از آن که با نوه عمه‌ام ازدواج کردم او را به قم آورده و در محله خاتمرج نزدیک بیمارستان آیت‌الله گلپایگانی خانه کوچک یک اتاقه اجاره نمودم. از جمله وسایل زندگی‌مان یک چراغ نفتی کوچک بود که هم گرم می‌شدیم و هم با آن غذا می‌پختیم. من مطالعه می‌کردم و همسریم گیوه می‌بافت. چون هر ماه ۴۵ تومان کرایه خانه می‌دادیم، همسرم روزی سه پفت گیوه تهیه می‌کرد که ۱۵ ریال می‌شد. پس از چند سال از این محل به محله باغ قلعه نزدیک تکیه ملا محمود نقل مکان کردیم و در آن‌جا مستأجر شدیم. بعد از آن، مدت ده سال هم در کچه ارک مستأجر آیت‌الله آقا سید احمد زنجانی بودیم. در این سال‌ها بود که در اّیام تبلیعی به تهران و اطراف آن می‌رفتم و پیام به تهران باز شد…».(۲)

بانوی فداکار و صبور، حاجیه خانم شفیعی، پس از عمری تحمل سختی‌ها و ناملایمات در بهمن ۱۳۹۰ شمسی دار فانی را وداع گفت و در قبرستان «بهشت معصومه قم» به خاک سپرده شد.

دوران تحصیل

یوسف تحت توجّه و تربیت پدر در نهٔ سالگی خواندن و نوشتن را نزد او فرا گرفت. تحصیلات خود را در مکتب خانه آغاز کرد و به او مؤختن قرآن و کتاب‌های متداول آن روزگار پرداخت. برخی از درس‌های مقدماتی را نیز نزد پدرش آموخت. او در سال ۱۳۲۶ شمسی چند صباحی پس از وفات مادر با تشویق و ترغیب و همراهی پدر و برادر بزرگش برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت. در مدرسه علمیه کاسه‌گران حجره گرفت و مشغول درس و بحث شد. آغاز تحصیل او در حوزه زمانی بود که جامعه به دلیل دسیسه‌های رژیم پهلوی، به حوزه علمیه روی خوش نشان نمی‌داد و طلاب علوم دینی، جایگاه شایانی در جامعه نداشتند. علاوه بر این، حوزه‌های علمیه نیز در بعد اقتصادی و مالی، وضعیت خوبی نداشتند.

تحصیل در اصفهان

وی در اصفهان، درس‌های مقدمات را فرا گرفت. قسمت عمده‌ای از کتب و متون درسی ادبیات رایج (مقدمات، سیوطی، مفتی و…) را نزد استادان وقت در حوزه علمیه اصفهان، حجج اسلام آقایان: سید علی سدهی، سیدجواد ابلحی سدهی، حاج شیخ اسدالله نجف‌آبادی، سید علی رفیعی پور علویچه، سید ابوالفضل رفیعی‌پور علویچه و نزد شیخ حیدر علی محقّق شرایع را خواند و از محضر حضرت: سیدحسین درّج‌های، شیخ محمدعلی (معلم) حبیب‌آبادی، شیخ عباسعلی ادیب حبیب‌آبادی نیز بهره‌مند گردید.

تحصیل در قم

آیت‌الله صائعی پس از قریب به چهار سال تحصیل در حوزه اصفهان، در سال ۱۳۳۰ شمسی به قم مهاجرت کرد. در مدرسه آقا سید صادق واقع در محله گذر قلعه و در یکی از حجرات آن که چند طلبه دیگر نیز سکونت داشتند با آنان هم حجره گردید و با جدّیت به تحصیلات خود ادامه داد. در قم نیز سطوح عالی حوزه را نزد اساتید برجسته آن زمان همچون آیت‌الله آقا موسی صدر، آیت‌الله اعتمادی، آیت‌الله ستوده، آیت‌الله جیل عاملی، آیت‌الله سلطانی طباطبایی، آیت‌الله فکور، آیت‌الله منتظری، آیت‌الله مجاهدی و… فرا گرفت. تلاش و جدّیت وی سبب شد که دوره سطح

و عنایت فرمودند و آن جریان را در تاریخ ۱۰/۱۹/۱۳۶۱ با یک جلات ذیل این‌گونه بیان نمودند: «هن آقای صائعی را مثل یک فرزند بزرگ کرده‌ام. این آقای صائعی، وقتی که سال‌های طولانی در مباحثاتی که ما داشتیم تشریف می‌آوردند، ایشان بالخصوص می‌آمدند با من بحث می‌کردند و من حظ می‌بردم از معلومات ایشان، و ایشان یک نفر آدم برجسته‌ای بین روحانیون است و یک مرد عالمی است.» (صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۱)

تدریس

آیت‌الله صائعی، در طول سالیان متمادی، علاوه بر فعالیت‌های گوناگون دیگر، اهتمام فراوانی به تدریس داشتند. این جدّیت از همان دروه تحصیل و حضور در دروس حضرت امام آغاز شده بود، به طوری که معظم له نقل می‌کردند، یکی از این جلسات درس ایشان، قبل از شروع درس حضرت امام بوده که با شروع درس امام خامنه می‌یافت و آیت‌الله بلافاصله در جلسه درس حضرت امام حضور پیدا می‌کردند. حتی هم زمان با یک دوره هیجده ساله تبلیغ که هر هفته از قم به تهران مسافرت می‌کردند، روزانه، سه جلسه تدریس در قم داشتند

آیت‌الله صائعی، اغلب کتاب‌های دوره مقدمات و سطح را تدریس کردند. علاوه بر آن، علاقه و تبخّر ایشان در تدریس

آیت‌الله العظمی صائعی (ره) از آغاز تا پایان



را در قم چهار ساله به پایان برساند. با پایان یافتن دوره سطح، درحالی که هجده سال بیش نداشت، در سال ۱۳۳۴ برای ارتقا به دروس خارج فقه و اصول؛ در امتحانات حوزه، رتبه اوّل را احراز نموده و مورد تشویق مرجع بزرگ وقت؛ آیت‌الله العظمی بروجردی، قرار گرفت.

پس از آن به درس خارج استادان حوزهٔ علمیه قم رفت؛ مدتی در حلقه دروس خارج فقه و اصول آیات عظام: سید محمد محقّق داماد، شیخ عباسعلی شاه‌رودی، شیخ محمدعلی اراکی، شیخ محمد فکور یزدی و حدود یک سال هم در درس خارج فقه آیت‌الله بروجردی حاضر شد و از جلسات درس و بحث آنان استفاده کرد.

حضور در درس حضرت امام(س)

در انتهای این دروس به پیشنهاد برخی از دوستان و آشنایان به حلقه درس خارج فقه و اصول حضرت امام خمینی(س)سلام‌الله علیه) وارد شد. آیت‌الله صائعی با حضور در این درس و بحث خارج امام، هم‌شده خود را که هم پاسخگوی عطش علمی و هم روجه انقلابی‌اش بود در وجود امام و حلقه درس و شاگردان او یافت و از آن پس تا سال ۱۳۴۲ شمسی که امام(سلام‌الله علیه) در قم حضور داشت و تدریس می‌کرد، به طور مستمر و در هر فرصت مفتزم از انفاص قدسی و دانش وسیع فقهی و اصولی آن فقیه کم نظیر، بهره برد.

آیت‌الله صائعی پیرامون مباحثی که در خدمت حضرت امام تلمذ نموده چنین می‌گوید: «… من در اوایل سنه ۱۳۳۵ به صورت سلسامی رسماً به درس امام رفتم. قبل از این سنه در مکتب شکسته، بسته می‌رفتم، ولی از سنه ۱۳۳۵ پدر امام را مرتّب تا زمانی که در قم تشریف داشتند حضور پیدا می‌کردم…» تقریباً اگر بخواهیم طبقه بندی کنیم شاگردان حضرت امام را، ما دوره سوم یا طبقه سوم شاگردان امام بودیم که تا آخر خدمت ایشان ماندیم… ما از بحث خارج تیمّم خدمت امام رفتم. خارج تیمّم بر محور کتاب شرایع بود. بعد هم بحث نجاسات و طهارات تا آخر. چند سال آن بحث‌ها را فرمود، بعد هم بحث خارج مکاسب محرمه، همان

«دیدگاه‌های فقهی و علمی روشن، منطقی و توجّه به واقعیات جامعه و عرف، همراه با اشراف لازم بر سلوک‌های پذیرفته شده در فقه، دقت‌های ارزشمند در قرآن کریم و بویژه آیات‌الاحکام و فقه‌الحدیث از جمله ویژگی‌های درس ایشان بود

بحث‌های مکاسب محرمه که به قلم خود امام چاپ شده است، بعدش هم بحث بیع تا بیع فضولی که در قم فرموده‌اند و سپس ادامه آن را در نجف دنبال کردند.

خارج اصول امام هم، یک دوره از بحث برائت تا آخر تعامل و تراجیح و دوره دوم هم از اول مباحث الفاظ تا مبحث اجتهاد و احتیاط؛ یعنی یک دوره کامل اصول و یک نیم دوره از خدمت امام شاردگی کردیم، بعد رسید به سنه ۱۳۳۲ و امام دیگر درسشان را تعطیل فرمودند و قضایای نهضت که پیش آمد. مباحث فقهی و اصولی، هر دوی آن را مفضل نوشتم».(۳)

محصول حضور ملامو بیش از هفت سال در درس فقه و اصول امام خمینی، نوشتن بیش از ۶ هزار صفحه از تقریرات به زبان عربی بوده که هم‌کنون چهار مجلد اصول آن چاپ شده و انشاءالله تقریرات فقه آن نیز در آینده نزدیک منتشر خواهد شد.

با اینکه این دوران بین سال‌های ۱۳۳۴ تا ۱۳۴۲ شمسی بوده است، لیکن وقتی که انقلاب اسلامی ایران پیروز شد و امام به کشور برگشتند، این مسائل در خاطرشان بوده

حوزه دوره سوم – ۵۱۶

توصیه استاد معظم به شاگردان و فضلالی حوزه در پذیرفتن مسئولیت‌های مهم انقلاب و نظام، و نیز عنایت به حرکت فقهی، اخلاقی و انقلابی حوزه، باعث شده است تا شاگردان، به مناسبت‌های مختلف، افزون بر توشه‌های ارزشمند فقهی، اصولی و رجالی، خود را فراروی مسئولیت‌های عظیم اجتماعی و سیاسی ببینند.

انس آیت‌الله با مردم، شناخت دقیق روابط اجتماعی و عرف، آگاهی از نیازهای اجتماعی و واقعیات روز، درک عمیق مبانی جامع و متّفن امام راحل(س)، در کنار حفظ اکید موازین و چارچوب‌های فقهی و اهتمام به ادله متقن شرعی، علاوه بر دستاوردهای ارزشمندی که در مقام افتا دارد، افتخاری تازه‌ای را به روی شاگردان گشوده و این احساس را در آنان تقویت کرده که فقه استوار شیعه، بر چه مبانی روشن و مستحکمی تکیه دارد و همواره زنده و راهگشاست؛ چنان‌که تشویق مستمر شاگردان خوش استعداد توسط ایشان، سبب دل گرمی و شوقفایی استعداد آنان گردیده است.

فعالیت‌ها و مبارزات سیاسی

آیت‌الله صائعی خدمات، فعالیت‌های علمی، فرهنگی و سیاسی بسیاری در جامعه ایران داشته است. او که هم‌زمان با شرکت در درس فقه و اصول امام خمینی، اصول نهضت و مبارزه بر ضد طاغوت را می‌آموخت، در زمان رژیم شاه، بارها و بارها به افشای ماهیت خاندان پهلوی و استعمارگران شرق و غرب پرداخت. از مهمترین گروه‌های فعال در حوزه علمیه قم در آن سالها، جامعه مدرسین حوزهٔ علمیه قم بود. اعضای این نهاد، در جلسه‌های گوناگون، ضمن بررسی وضعیت جامعه، به مناسبت‌های مختلف، اعلامیه‌ها و بیانیه‌های بسیاری بر ضد رژیم شاه صادر می‌کردند. آیت‌الله صائعی در آن جلسه‌ها حضور مستمر داشت و نام و امضای او در بسیاری از آن اعلامیه‌ها به چشم می‌خورد.

همچنین ایشان در طول سالیان تحصیل و تدریس، بارها به مناطق گوناگون کشور سفر کرده و به تبلیغ معارف اهل‌بیت پرداخته است. همچنین از سال ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۷ به طور مستمر، هر هفته از قم به تهران سفر می‌کرده و در مساجد، مآذن و کانون‌های فرهنگی مختلف این شهر، جلسات سخنرانی برپا می‌کرده است. در واقع اغلب مبارزات سیاسی و فعالیت‌های انقلابی ایشان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، تلاش در قالب فرهنگی و تبلیغاتی بوده است. این تلاش‌های ظلم ستیزانه، از طریق تبلیغ، سخنرانی، حضور در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و صدور اعلامیه و بیانیه‌های مهم سیاسی انجام می‌گرفت. از جمله سخنرانی‌های ایشان که آشکارا بر ضد رژیم پهلوی ایراد گردید، می‌توان به سخنرانی در رفسنجان اشاره کرد که به احضار و ممنوعیت ایشان از منبر منجر شد؛ اما آیت‌الله صائعی به افشاکاری‌های خود ادامه می‌داد و به همین دلیل، مدتی متواری بود.

همچنین ایشان در سال ۱۳۵۷، درحالی که برای سخنرانی به مسجد جامع بازار تهران می‌رفت دستگیر شد و همراه امام جماعت مسجد – آیت‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی – به کلانتری برده شد. در بازداشت، علاوه بر توهین‌ها و آزارهای روحی، متحمل ضربات بدنی بسیاری شد.

براساس آنچه در جلد سوم کتاب اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، نام و امضای آیت‌الله العظمی صائعی، ذیل بیش از سی اعلامیه سیاسی و انقلابی به ثبت رسیده است که اولین آن، نامه‌ای است که پس از انتقال حضرت امام خمینی از ترکیه به نجف اشرف، از سوی علمای قم، خطاب به رهبر کبیر انقلاب نوشته شده است. تاریخ انتشار این نامه مهر ماه ۱۳۴۴ است. همچنین آخرین بیانیه‌ای که نام و امضای ایشان و دیگر همراهان انقلاب در ذیل آن می‌درخشد، اعلامیه‌ای است که در مخالفت با دولت بختیار، در تاریخ ۱۷/۰۱/۱۳۵۷ صادر شد.

البته بدیهی است که تمامی اعلامیه‌های آن دوران، در کتاب مزبور نیامده است. مهم‌ترین بیانیه شدیدالحن علمای قم در قبل از انقلاب، درباره «خلع یدِ شاه از حکومت» است که به تأیید جمعی از فضلا و مدرّسان حوزه علمیه قم رسیده است و نام و امضای آیت‌الله صائعی نیز در ذیل آن به چشم می‌خورد. این اعلامیه نقطه عطفی در مبارزات حوزه علمیه بر ضد شاه محسوب می‌شود.

اعلامیه تاریخی مذکور، همچون سایر بیانیه‌های سیاسی آن دوران، بسیار ششاس، خطرناک و به گونه‌ای بود که تنها انقلابیان واقعی و یاوران شجاع حضرت امام خمینی، می‌توانستند آن را بخوانند.

«براساس آنچه در جلد سوم کتاب اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده است، نام و امضای آیت‌الله‌العظمی صائعی، در ذیل بیش از سی اعلامیه سیاسی و انقلابی به ثبت رسیده است»

جسارت امضای آن را داشتند؛ چه اینکه دستور بسیاری از آن اعلامیه‌ها، از دیدگاه حکومت پهلوی، جرمی نابخشودنی و مستوجب اعدام بود. شاید ترس از همین عواقب خطرناک موجب گردید تا امضای افراد معدودی از علما در ذیل اعلامیه «خلع شاه از حکومت» قرار گیرد.

علاوه، آیت‌الله صائعی بخشی از تلاش سیاسی خود را در خنتی کردن توطئه خدشده‌ار کردن مرجعیت امام خمین در دروران حکومت پهلوی قرار داد. در جهت تثبیت مرجعیت حضرت امام، همراه با جمعی از علما و فضلالی حوزه‌های علمیه، از هیچ تلاشی فروگذار نکرد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران؛ فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله صائعی، همچنان ادامه داشت. ایشان در مسئولیت‌های اجرایی گوناگونی نقش ایفا کرد که برخی از آنها به شرح ذیل است.

- عضو شورای نگهبان با حکم امام خمینی از تاریخ (۱۳۵۸/۱۰/۱۹) (۱۳۶۱/۱۰/۱۹)
- دانشتانی کل کشور با حکم امام خمینی از تاریخ (۱۳۶۱/۱۰/۱۹ – ۱۳۶۴/۴/۱۸)
- نمایندهی امام در شورای بازسازی مناطق جنگی؛
- امامت جمعه قم با حکم امام خمینی؛
- عضو مجلس خبرگان رهبری در دوره اول به نمایندگی از تهران به عنوان نفر دوم؛
- عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با حکم امام خمینی.
- سرانجام این عالم دینی و مرجع عالیقدر در روز شنبه بیست و دوم شهریور ۱۳۹۹، مطابق با بیست و سوم محرم‌الحرام ۱۴۴۲، پس از عمری تلاش بی‌وقفه در جهت تحصیل علم و تقوا، در ۸۳ سالگی حدود حق را لایک گفت و در جوار رحمت الهی آرامید. (عاش سیدوا و مات سعیداً)
- خاطرات شفاهی آیت‌الله العظمی صائعی.
- خاطرات شفاهی آیت‌الله العظمی صائعی.
- مصاحبه با آیت‌الله العظمی صائعی.



حضرت آیت‌الله سید محمدسعید طباطبایی اصول فقه مستدل و متیقن در سه جلد مرقوم فرموده‌اند.

کتاب المحکّم فی اصول الفقه در زمینه علم اصول فقه که در ۶ جلد به چاپ رسیده است و مصباح المنهاج در ۱۹ جلد که شرح کتاب فقهی منهایالصالحین اثر سید محسن حکیم است، از مهم‌ترین آثار او است. همچنین وی کتاب «الکافی فی اصول الفقه» را در زندان نوشته است. کتاب فاجعة الظف (فاجعه عاشورا) نیز کتابی است مفصل که درباره آثار و نتایج واقعه کربلا نگاشته است. وی درباره مسائل نوپدید، مانند شبهه‌سازی، رایانه و قضای مجازی هم، آثاری بجای گذاشته است.

فعالیت‌های اجتماعی

سید محمدسعید حکیم به‌دلیل مخالفت با قانون منع پیاده‌روی برای زسارت امام حسین(ع) که در دوره حکومت صدام حسین در عراق تصویب شده بود، تحت تعقیب و برای مدتی فراری بود. همچنین به جهت امتناع خاندان صدر از حضور در کنفرانس مردمی اسلامی که به دستور صدام تشکیل شده بود، همراه با ۸۰ نفر از خاندان حکیم دستگیر و به مدت ۸ سال زندانی شد. او همچنین با اعزام مبلغانی به نواحی مختلف کشور عراق، خصوصاً جنوب این کشور، اقداماتی را برای رفع مشکلات عشایر و روستائیشان انجام داد. فعالیت‌های مشابهی هم در کشورهای ایران، هند و پاکستان داشت.

سید محمدسعید حکیم در مقام مرجعیت شیعیان، برابر برخی حوادث سیاسی و اجتماعی حساسیت به خرد می‌داد، از جمله کشتار شیعیان پاکستان به دست گروهی موسوم به سیاه صحابه، موضع گرفت و دولت پاکستان را مسئول پاسخ‌گویی به آن دانست. نواز شریف نخست‌وزیر پاکستان در پاسخ، نامه‌ای به دفتر وی نوشت و ضمن ابراز همدردی، از تصمیم دولتش برای مبارزه با عاملان کشتار شیعیان خبر داد.

سید محمدسعید حکیم به این که از جمله مراجع است در حوزه‌های علمیه فقهی شناخته می‌شد، در برخی مسائل فقهی دیدگاه‌های تازه و نوگرایانه‌ای داشت؛ از جمله مخالف با مجازات مُرد بود و اعتقاد داشت: «هیچ شکی نیست که آنها [افراد مرتد] در

دردستان خودند»

سید محمدسعید حکیم و از استادان درس خارج فقه و اصول در حوزه نجف که در سال ۱۴۱۳ق، پس از آزادی از زندان صدام، درگذشت: یافر ایروانی از اساتید حوزه علمیه نجف از استادان درس خارج فقه و اصول و نویسنده برخی کتب درسی حوزه‌های علمیه در قم و نجف.

از سید محمدسعید حکیم ۲۴ عنوان کتاب در بیش از چهل جلد در موضوعاتی چون اصول، فقه، مسائل مُستَحَدَثَه و برخی موضوعات اجتماعی، به چاپ رسیده است. برخی از آثار او به زبان‌های دیگر ترجمه شده است. برخی از آثار وی به قرار زیر است:

- المحکم فی اصول الفقه، (این مجموعه در ۶ جلد با بحث استدلالی اصول).
- دوره فقهی «مصباح المنهاج» که سید محسن حکیم است.
- حاشیه‌های جامع بر کتاب اصولی «کفایه» آخوند خراسانی در ۳ جلد.
- حاشیه‌های جامع بر کتاب اصولی (رسائل) شیخ انصاری.
- حاشیه‌های جامع بر کتاب فقهی (مکاسب) شیخ انصاری.

«سید محمدسعید حکیم با این که از جمله مراجع سنی در حوزه‌های علمیه شیعی شناخته می‌شد، در برخی مسائل فقهی دیدگاه‌های تازه و نوگرایانه‌ای داشت

آیت‌الله سید محمد سعید حکیم روز جمعه ۱۲ شهریور ۱۴۰۰ / ۲۵ محرم ۱۴۴۳ در منزل مسکونی خود دچار سکته قلبی شد و همان روز در بیمارستان الحیات نجف درگذشت. درگذشت او که یکی از مراجع چهارگانه نجف بود، با اقبال و تسلیع وسیع مردم متدین، رهبران مذهبی و سیاسی به ویژه در عراق و ایران مواجه و پیام‌های تسلیت فراوانی در پی درگذشت او صادر شد. پیکر او روز شنبه پیش در کربلا تشییع و به شهر نجف برای خاکسپاری نهایی منتقل و شش‌روز با حضور هزاران تن در مراسم تشییع، در حرم امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) خاکسپاری شد.